



فاطمه جعفری، ورزشکار.

بازار سیاه کابل



■ سال دوم
■ شماره ۶۶
■ پوشنیه
■ ۲۶ قوس ۱۳۹۷
■ قیمت ۱۰ افغانی
■ Monday
■ December 17, 2018
■ Vol. 2
■ No. 66



این‌جا، چراغی روشن است

عشق و محبت

مردی که عاشق زنی باشد او را در ملا عام و جدی مورد محبت قرار خواهد داد، نه در اتاقی که چهار سمت دیوار است و سکوت و بعد انکار! بهار سهیلی

زنان به‌خاطر نگاه جامعه خشونت را درونی می‌سازند

● صفحه ۳ ●

زنان به‌خاطر نگاه منفی جامعه نسبت به مراکز حمایتی و خانه‌های امن، ترجیح می‌دهند که خشونت را تحمل کنند، اما صدای شان را در برابر خشونت و بی‌عدالتی بلند نکنند و به این مراکز نروند.

نگاهی کوتاه به تابوشکنی در شعر زنان افغانستان



تحلیل
کِسی گل شریفی
قسمت دوم

از بوسه‌های بی‌تاب که سوال نمی‌پرسند و منتظر پاسخ نمی‌مانند
زینت نور

زینت نور به مهم‌ترین تابوی جامعه پرداخته است؛ عشق. عشق در ادبیات کلاسیک معمولاً مفهوم مردانه بوده است که گاه به عرفان نیز نزدیک شده است. در هیچ یک از آثار ادبی پارسی، زن از عشق خود به صراحت نگفته مگر در عصر کنونی که زن و مرد به صورت برابر در مقابل قوانین مطرح شده است. برابری زن و مرد به زن کمک کرده تا روایت عاشقانه‌ی خود را داشته باشد. این روایت از ذهن زنانه برمی‌خیزد و زیبایی‌شناسی خاص وی را به جهان عرضه می‌کند. در این شعر عشق زنانه از بدن می‌گوید. از بدن زنانه، لذتی که از لب‌ها شروع می‌شود. همین بخش از شعر به اندازه‌ی کافی تمام تاریخ ادبیات مردانه را به هم می‌ریزد، لذتی که زن روایت می‌کند امروز در گفتمان ادبیات نیست بلکه با دنیا و انسان دنیایی سر و کار دارد. دو عنصر مهم زنانه‌گی امروز؛ دنیا و انسان. دستی نیست، دوستی نیست، دموکراسی در کار نیست
بیرون از این اتاق فقط صدای
جنانه‌هایی است که روی اجاق گازم جلز

● ادامه در صفحه ۲...

دیوان‌های هر روز در زنجیر می‌میری
در پاچه‌ای در تور ماهی‌گیر می‌میری
می‌بافت مادر روزها را با شب مویم
می‌گفت روزی در همین زنجیر می‌میری
محبوبه ابراهیمی

محبوبه ابراهیمی در این شعر به رنج مادر و زن در جامعه افغانستانی اشاره کرده است. زن را به دریاچه‌ای تشبیه کرده است که در تور ماهی‌گیری می‌میرد. زن چه میزان رنج را باید متحمل شده باشد؟! بیان این تصویر نهایت رنجی است که یک زن در جامعه پدرسالار تحمل می‌کند. در جامعه‌ای که زن بودن خود تابو است و شکستن این تابو چندان آسان نیست. در ابتدا گفتن از زن و رنج‌های زنانه تابوشکنی است زیرا در طول تاریخ رسم به نگفتن از زن بوده و تنها روایت مردانه از جهان در شعر وجود داشته و زن صرفاً از دید مردانه مورد توجه بوده‌اند، به عنوان معشوق، همسر و مادر اما زن به مثابه زن هیچ‌گاه مورد توجه قرار نگرفته است.
ربطی به هوس ندارد
عشق باید از لب‌ها شروع شود
از بوسه‌های داغ لب‌گیر و لب‌بوسوز

روزه‌ی سکوت زنان طلاب هرگز افطار نمی‌شود!



تحلیل
باتول سید حیدری

شرع و در بسیاری موارد عاملان قانون هستند، در کنار آن، هنجارهای فرهنگی و عرفی که توسط جامعه بر زنده‌گی این‌ها چیره شده است. هم‌چنین انتظارات مردم از این خانواده‌ها، دیگر عاملی است که شرایط و موقعیت شان را در جامعه متفاوت جلوه دهد. همه این عوامل روی هم رفته باعث شده که اعمال خشونت از سوی شوهر طلبه یا پدر طلبه مشروعیت بیابد و سکوت از سوی زنان و دختران شان هم‌چون قانون نانوشته ولی حاکم رعایت گردد.

توجیه اکثریت این زنان این است که دختر طلبه هستیم و یا همسر یک ملا امام و باید آبروی شوهرم یا پدرم را حفظ کنم. این زنان می‌پندارند که اگر اعتراض کنند یا صدای شان را کسی بشنود، جامعه نسبت به فامیل شان که امین و مورد اعتماد و حتا الگوی مردم هستند، چه قضاوت خواهند
● ادامه در صفحه ۲...

زنانی که در برابر خشونت‌های خانه‌گی هرگز دم نمی‌زنند، همیشه کوتاه آمده‌اند، کارشناسان و تحلیل‌گران امور زنان نیز هیچ‌گاه وارد لایه‌ها و پستوهای آسیب‌دیده‌ی روحی این دسته از زنان نشده‌اند، زنانی هستند که در خانواده‌های مذهبی به سر می‌برند. این‌گونه زنان یا شوهران شان طلبه (دانش‌جوی علوم دینی) اند و یا پدرها و برادرهای شان. آنان هرگز در برابر آزارها و لتوکوب‌های جسمی و روحی که از طرف این گروه از مردان که ملا امام و یا معتمدین اجتماع هستند، اعتراضی نکرده و همیشه سکوت را سرلوحه‌ی زنده‌گی خود قرار داده‌اند. ضمن این‌که مردان طلبه خود مجریان

● ادامه از صفحه ۱...‌

و ولز می‌کند

من افعال زنانه را خوب بلدم
کردن/ پختن/زادن!

با آخرین متدهای روز دنیا

مارال طاهری

مارال طاهری از شاعران زنی‌ست که در بین زنان شاعر هنجارشکنک نامش همیشه مطرح بوده است. نگاه و بیان متفاوت مارال از او همواره شاعر تابوشکن ساخته است. زبان و فرمی که در طی سال‌های شاعری‌اش همواره نگاه داشته است، او در کنار مفاهیم هنجارشکنانه از بیان، زبان و فرم متفاوت نیز بهره می‌برد. مارال نه تنها از آوردن کلمات برهنه و اروتیک در شعرش دوری نمی‌کند بلکه آگاهانه و صریح از این کلمات در شعرهایش استفاده می‌جوید. مارال طاهری را می‌توان از جدی‌ترین شاعران زن در زمینه‌ی شعرهای پست مدرن و تابوشکنانه دانست. بغض دارد دل من، می‌ترکد/ نکند طعم غذا شور شود هیچ می‌دانی چه حس دارد/ زن آزاده که مجبور شود زن آزاده که مجبور شود / تن به مردی که نخواهد بدهد تن به مردی که جواب لب‌خند/ گاه اگر داد به ابجد بد هد

زن آزاده خودش می‌فهمد:/ زنده‌گی یک‌سره شیدایی نیست
آرزوهای فراوان دارد/ زن فقط سکس و پسرزایی نیست
مهتاب ساحل

مهتاب شاعر شعرهای زنانه است. روح جاری در شعرهایش عمیقن حس و گاه اندوه زنانه را به مخاطب تزریق می‌کند. او می‌داند و در این جامعه با پوست و استخوانش درک کرده زنی که پا به بیرون می‌گذارد بر او چه خواهد گذشت؟! زنی که رهایی را در شعر و کلمات جست‌وجو می‌کند. پس این جاست که او بر قوانین نانوشته‌ی ضد زن

عرف و سنت این جامعه که او را به اجبار به همسری در می‌آورد و زن را تنها در خدمت تولید نسل و لذت‌جویی مردانه تعریف می‌کند، اعتراض می‌کند. اعتراضی که هم

مهتاب هم بسیار شاعران زن دیگر بارها و بارها به آن پرداخته اند.

وجود عشق گناه بزرگ و زیبا بود/ نبودن تو! که فتوای صادره است ببخش

تنی برای کسی و دلی برای کسی/ اگر که فکر و وجودم محاصره است ببخش

حمیده میرزاد

سخن آشکار ازعشق ورزیدن و مهم‌تر از آن از عشق‌های پنهان و ممنوع و در نهان، از تابوهای جامعه‌ی ما بوده است حرفی که حمیده میرزاد در این ابیات گفته است. سخن از زنان بسیاری که به هزاران اجبار و اکراه این جامعه تن داده‌اند؛ اما در نهان‌شان هنوزهم حسرت‌ها و

نگاهی کوتاه به تابوشکنی در شعر زنان افغانستان

عشق‌شان را یادآور می‌شوند. شاید نتوان حمیده میرزاد را در اغلب شعرهایش تابوشکن دید ولی در بسیاری از شعرهای او تصویری از زن عاشق و محصور را می‌توان دید. شعرهایی که بسیاری اوقات از زبان زنانی بیان می‌شود که اکنون متعلق به کسی هستند ولی هم‌چنان به عشق خویش می‌اندیشند.

بگذار از تو حمل بگیرم
در نه ماه
نه روز

نه دقیقه
نه ثانیه

بالا بیایورم هزار و چهارصد سال

تاریخ برده‌گی‌ام را

«سرافیل در بند/ زهراسوراسرافیل»

سور اسرافیل در کتاب «سرافیل در بند» نگاه، بیان و اعتراض‌های زنانه‌ی جدی را می‌سراید. کتاب او سرشار

از اعتراض به سنت‌ها، قوانین مذهبی و عرفی است که زن را به بند می‌کشد. او در شعرهایش پر پروازی را برای زنان جست‌وجو می‌کند تا از حصارها به در آیند و به استقلال، مالکیت بر خود و تن خود و مالکیت بر حق سرنوشت خود برسند. برای سور اسرافیل شعر بیش از هر چیز رسالتی است در خدمت نگاه عصیان‌گر و منتقدش .

کرده چوتی گیسوانم را و بعدن سرمه هم/ چشم‌های سر کشم انگار یک خم می‌شوند
چادر و پنجایی سرخم که می‌زیبد به من/ ابروان تیز و تندم مثل گژدم می‌شوند
صداسلطانی

زیبایی‌شناسی زنانه تنها به عشق ختم نمی‌شود، بلکه لذت‌های یک زندگی معمولی هست که برایش دلنشین است. چوتی کردن گیسوانش، سرمه زدن به چشم‌ها،

پوشیدن لباس پنجایی و چادر و حتا آرایش کردن؛ لذت‌هایی است که یک زن با تمام وجود روز وشب خود را با آن سر می‌کند. زن، درگیر جزئیات زنانه است که شاید هیچ وقت به چشم مرد نیاید؛ جزئیاتی که فقط از نگاه زن می‌توان آن را زیبا دید و حتا از آن لذت برد. در این نوع شعر موضوع شعر زن به روایتی زنانه پرداخت می‌شود. روایتی که از منویات و آمال و آرزوهای زنان می‌گوید. روایتی که صدای متفاوتی در شعر معاصر ما است.

خسته‌ام! از حصار لبریزم/ خسته از روسری دخترها

این که باید همیشه زن باشم/ زیر– دست و اجیر شوهرها

«صداسلطانی»

زن در جامعه‌ی سنتی و مذهبی افغانستان تابویی بوده که مالک خویش نبوده است. حق ملکیت زن از آن مرد بوده و شکستن این تابو در بسیاری از شعرهای زنان معاصر جلوه کرده است، زیر دست و اجیر شوهرها، تابوی نابرابری زن و مرد در این مصرع، اشاره به وضعیت زن امروز افغانستان

تابو شکنی در شعر امر نو و تازه است. بسیاری از شاعران زن در چند دهه‌ی گذشته به پیروی از نگاه مردانه دست به آفرینش زدند تا حدی که تاییدی بر این نوع زیبایی شناسی به حساب می‌آمد. اما شاعران جوان بیش تر به دنبال تغییر و شکستن تابوها هستند. بانوان شاعری که در سه دهه گذشته خارج از افغانستان مهاجر بودند سهم به‌سزایی در این تغییر داشتند و نقش بسیار مهمی در شکل‌دهی به سبک‌های نوین شعر دارند.

زن نه می‌خواهد ملکیت کسی باشد نه زیردست و اجیر، با مطرح کردن این خواست در واقع به شکستن این تابو پرداخته است.

من از جهان آزادی می‌آیم

و مجسمه‌های آزادی

ماده بودنم را بارها بوسیده‌اند

تمام آن مجسمه‌ها می‌دانند

که روزنه بیهودهای

مادرم را خوش حال غمگین ساخته بود

«هریم ترکی»

شاعر تنها به روایت‌های فردی از زندگی بسنده نکرده بلکه روایت‌های عمومی و اجتماعی را نیز مورد توجه قرار داده است. تابوهای زن بودن حتا در جهان آزاد نیز تابو است و گرداگرد وی را گرفته است تا طعم آزادی صرفا

نگاهی کوتاه به تابوشکنی در شعر زنان افغانستان

مفهومی باشد در ذهن زن نه حسی که با تمام وجود آن را لمس کند. زمانی که جهان آزاد تابوهای زن بودن را از بین برده باشد و برای وی آزادی واقعی را به ارمان آورده باشد، می‌تواند درک درستی را برای همگان ارایه کند. آزادی امر اجتماعی است و باید جامعه این حس را با شکستن تابوهای مختلف به وجود بیاورد.

تابو شکنی در جامعه‌ی شرقی امر نو برای زنان است. این رسم کم‌تر از یک قرن می‌شود که آغاز شده و گاه نتایج خیلی خوش آیندی هم نداشته است. تابوشکنی که امان‌الله خان پادشاه افغانستان با برداشتن چادری از سر همسر خودش شروع کرد منجر به نارضایتی و بالاخره سقوط حکومتش توسط مردم سنتی افغانستان شد، حتا امروز نیز در واقعیت با داشتن قوانین مناسب، بسیاری از تابوها هم‌چنان باقی است.

تعدادی از زنان فرهیخته و آگاه با حمایت از ارزش‌های حقوق بشری و انسانی تلاش کردند تا وضعیت زنان را بهبود بخشند و این تلاش‌ها با حمایت شاعران و نویسنده‌گان مرد و به ویژه زن

رو به رو شده است و بسیاری از شاعران زن کشور به عنوان پیشتاز این عرصه تلاش کرده و در زندگی و شعر الگو قرار گرفته اند.

تابو شکنی در شعر امر نو و تازه است. بسیاری از شاعران زن در چند دهه‌ی گذشته به پیروی از نگاه مردانه دست به آفرینش زدند

تا حدی که تاییدی بر این نوع زیبایی شناسی به حساب می‌آمد.

اما شاعران جوان بیش‌تر به دنبال

تغییر و شکستن تابوها هستند. بانوان شاعری که در سه دهه گذشته خارج از افغانستان مهاجر بودند سهم به‌سزایی در این تابوشکنی داشتند و هم‌چنین شاعران جوانی که در دو دهه اخیردر کشور فعالیت داشتند نیز نقش بسیار مهمی در شکستن سنت‌های مردانه و غیر برابر در شعر دارند.

جدی گرفته شدن تابوشکنی در داخل افغانستان نقش مهمی در شکل‌گیری جریان‌های اجتماعی مدنی در تمام سطوح داشته و دارد. این جریان می‌تواند سنگر محکمی برای از بین بردن تابوهای غیر اخلاقی رایج باشد. تابوهایی که جایگاه برابر زن را نادیده گرفته و از او در تمام تاریخ به ابزاری فروکاسته است.

شعر معاصر افغانستان توانسته بیش از پیش در عرصه‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی و سیاسی دست به تابوشکنی بزند و با اعتراض به این وضعیت شرایط اجتماعی بهتری را خلق کند.

● ادامه از صفحه آخر

روزه‌ی سکوت زنان ...

زنانه‌ی سکوت‌زبان، اثر گیزا جرج، ۲۰۰۶

زنان هستند. دختری که همیشه مادرش را در زنده‌گی دیده که در برابر خشونت‌های فیزیکی پدر طلبه و یا نظامی‌اش سکوت کرده دم نزده و در خفا گریسته و سیاه‌کوبی‌های تن و بدنش را درمان کرده است و همچنان زن متدین و صبور و خانواده‌ی قابل‌تعریف را یدک کشیده چه گونه می‌تواند در زنده‌گی آینده‌اش در برابر همسر خشن و یا زورگویی مردی سکوت نکند و فریاد عدالت برآورد؟ مادران قربانی قطعاً دخترانی را بار می‌آورند که به این سیکل و چرخه‌ی میوب و زنجیر می‌زند تا همچنان مورد سوءاستفاده‌ی مردان زورگو و فاقد سلامت روان قرار بگیرند و دم نزنند و ادامه دهند، چرا که نه از مادر خود و نه زنان اطراف خود اعتراض و به نتیجه رسیدن شکایت را یاد نگرفته‌اند.

درکنار شنیدن مشکلات زنان دیگر بارها شاهد مراجعه‌ی زنان طلاب علوم دینی هستم که از ضرب و شتم همسران خود رازگونه شکایت می‌کنند و برطبق قوانین وضع شده در دین که بارها از سوی همسران خود شنیده‌اند، زن‌ها در شرایطی می‌توانند شکایت کنند که یا همسرشان نفقه نپردازد و یا این‌که بتواند، «عسر و حرج» خود را اثبات کنند که این مساله سه مشکل جدی بر سر راه این زنان قرار داده است. اولاً اثبات آن چه در زنده‌گی زناشویی آن‌ها به عنوان همسر طلبه سخت است و زنده‌گی خانوادگی آن‌ها به دلیل ساختار ویژه و خاصی که دارد علی‌الخصوص در جامعه‌ی افغانستان که با ابزاری چون آبرو بسیار کنترل می‌شود و باعث

● ادامه از صفحه آخر

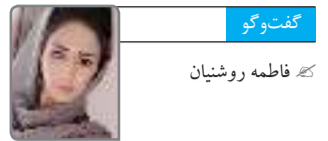
بازار سیاه‌کابل

بازار سیاه کابل، اثر گیزا جرج، ۲۰۰۶

این جامعه‌ی فقیر هزینه می‌شود. بنابراین ضرورت می‌نماید تا قوانین نافذ کشور بازنگری شود و قانون‌نامه‌ای طرح و تدوین شود که بتواند در مورد سقط جنین عدالت را برقرار کند. زیرا زنانی که در اثر تجاوز جنسی و روابط ناخواسته باردار می‌شود و یا دختران خردسالی که توانایی پرورش یک انسانی دیگر را در درونش ندارد، دساتیر دینی و عرف ناپسند اجتماعی شود. هرچند در وضعیت کنونی جامعه و حکومت افغانستان خلق یک قانون‌نامه‌ای که در آن سقط جنین مجاز و در اختیار خود زن باشد، راه طولیی است که به سخت‌کوشی و مبارزه‌ی نهادهای حامی حقوق بشر نیاز دارد. زیرا دولت به تازه‌گی توانسته است یک لایحه‌ی ممانعت از آز‌مایش پرده‌ی بکارت را براساس فرمان تقنینی ریاست جمهوری نافذ کند که آن‌هم حتا در شهر کابل-پایتخت افغانستان هنوز به صورت درست تطبیق نمی‌شود. صورت دولتی که قوانین بر اساس وحشت‌آلود نشود.

● ادامه از صفحه آخر

● ادامه از صفحه آخر



گفت‌وگو
فاطمه روشنیان

زنان به‌خاطر نگاه جامعه خشونت را درونی می‌سازند

انیسه سروری،
رییس امور زنان ولایت هرات

زنان به‌خاطر نگاه منفی جامعه نسبت به مراکز حمایتی و خانه‌های امن، ترجیح می‌دهند که خشونت را تحمل کنند، اما صدای شان را در برابر خشونت و بی‌عدالتی بلند نکنند و به این مراکز نروند.

بانو انیسه سروری دوره‌های مکتب را در لیسه عالی نسوان امیرعلی شیرنوبی در سال ۱۳۸۹ خورشیدی به پایان رسانده است. او پس از سپری نمودن امتحان کانکور به دانشکده‌ی شرعیات دانشگاه هرات راه یافته و تحصیلات لیسانس خود را در آن‌جا به درجه کادری به پایان رسانیده است. بانو سروری در جریان تحصیل و بعد از تحصیل نیز کورس‌های مدیریت و رهبری، مهارت‌های کلینیک حقوقی در زمینه‌های مصاحبه با موکلین، وکالت دفاع، تحقیقات دفاعی، مطالعه دوسیه‌ها و تحلیل و تجزیه قضایا فامیلی و جزایی، تحلیل مواد قانونی و تحریر انواع دفاعیه‌ها و مهارت‌های مسلکی حقوقی را به صورت عملی و نظری فرا گرفته است. بانو سروری در سال ۲۰۱۴ الی ۲۰۱۵ میلادی به عنوان مدیر برنامه‌ی «پروژه نید» در شبکه زنان افغان شروع به فعالیت نموده و به مدت یک‌سال در قسمت توان‌مندسازی، آگاهی‌دهی و حل قضایای حقوقی زنان و لیسوالی‌های ادرسکن، کشک رباط سنگی و ولسوالی انجیل ولایت هرات کار کرده است. ایشان از سال ۲۰۱۵ الی ۲۰۱۸ میلادی به عنوان آمر منابع و تحقیق در پروژه «گام‌ها به سوی توان‌مندسازی زنان» در عرصه دادخواهی پیرامون مصونیت حقوقی و اجتماعی زنان، مشارکت سیاسی زنان و نقش زنان در آوردن صلح و امنیت نیز فعالیت داشته است. هم‌چنین، بانو سروری در جریان سال‌های کاری خویش عضویت کمیته‌های فرعی سمپوزیم زنان هرات (زنان پیام آور صلح) کمیته مبارزه با فساداداری شبکه نهادهای مدنی، کمیته جندر دفتر اوپک، کمیته انسجام و هماهنگی ریاست امور زنان و کمیته اتحادیه معلمان ولایت هرات را به عنوان نماینده‌ی شبکه زنان افغان به عهده داشته و به تازگی به حیث رییس امور زنان ولایت هرات مقرر شده است.

با در نظر داشت کارکردهای موفق و مسوولیت کنونی بانو انیسه سروری در مقام ریاست امور زنان ولایت هرات، هفته‌نامه نیمرخ با ایشان در رابطه با وضعیت زنان در ولایت هرات گفت‌وگویی انجام داده است.

بانو سروری در قدم نخست تشکر و سپاس از این‌که برای مان وقت گذاشتید. می‌شود در ابتدا به صورت کلی بفرمایید که وضعیت زنان در ولایت هرات چگونه است و بیش‌تر خشونت‌هایی که علیه زنان در هرات وجود دارد چه نوع خشونت است؟

تشکر از شما و هم‌کاران خوب تان در هفته‌نامه نیمرخ. ولایت هرات یک شهر فرهنگی است که توقع می‌رود کم‌ترین آمار خشونت علیه زنان را داشته باشد؛ اما متأسفانه چنین نیست. بیش‌ترین نوع خشونت علیه زنان در هرات، خشونت‌های خانواده‌گی از قبیل لتوکوب، آزار و اذیت جنسی، ازدواج‌های اجباری و زیر سن، بد دادن، طلاق‌های اجباری و هم‌چنان ندادن میراث زنان است. بیش‌ترین عامل اعمال خشونت‌ها نیز بی‌کاری، فقر اقتصادی و اعتیاد مردان به مواد مخدر است. هم‌چنان عدم آگاهی مردان از حقوق زنان و دست‌رسی نداشتن زنان به نهادهای عدلی و قضایی نیز باعث شده است تا این خشونت ادامه یابد و وضعیت زنده‌گی را برای شمار زیادی از زنان در ولایت هرات با چالش‌ها و مشکلات زیادی مواجه سازد.

به نظر شما برای کاهش این‌گونه خشونت‌ها اداره‌های محلی چه برنامه‌هایی را باید طرح و تطبیق کند؟

جهت کاهش خشونت علیه زنان در قدم نخست باید برنامه‌های آگاهی‌دهی برای زنان و مردان دایر شود و از حقوق و قوانین که برای محو خشونت علیه زنان در کشور ضمانت اجرایی دارد برای آنان آگاهی داده شود. در قدم دوم، برای خودکفایی اقتصادی زنان باید برنامه‌هایی بنیادین محو خشونت و مبارزه برای نابودی عوامل خشونت روی دست گرفته شود. هم‌چنان تلاش بر این باشد تا قضایای خشونت آسیب‌شناسی شود که اگر فقر و بی‌کاری عامل آن است باید برای مردان کار فراهم شود تا از این طریق بتوانیم سطح خشونت‌ها را کاهش بدهیم.

در ولایت هرات، میزان دست‌رسی زنان به ارگان‌های عدلی و قضایی، مراکز حمایتی و هم‌چنان پولیس و دیگر منابع چگونه است؟ با وجود کارهای زیادی که برای افزایش و سهولت دست‌رسی زنان به عدالت صورت گرفته، اما بازهم میزان دست‌رسی زنان به ارگان‌های مربوطه زیاد نیست. جای خوش‌بینی این‌جا است که اکنون زنان تا اندازه‌ای به آگاهی نسبی رسیده و یا حد اقل انگیزه‌ای

برای مهار خشونت در وجود شان پیدا شده است که باید علیه خشونت مبارزه کنند. هیچ یک از این موارد نه تنها بسنده نیست، بلکه بسیار اندک است و هنوز آغاز یک فرایند تغییر است که باید میزان دست‌رسی زنان قربانی خشونت به ارگان‌های ذی‌ربط بیش‌تر شود و تلاش شود تا اعتمادسازی صورت بگیرد و ارگان‌های مربوطه بدون کدام چشم‌داشتی مسوولانه به قضایا رسیدگی کنند.

به کدام دلیل زنان نمی‌توانند به مراکز حمایتی و خانه‌های امن دست‌رسی پیدا کنند؟

زنان چگونه با مشکلات از قبیل تقاضای‌های نادرست افراد که در مراکز حمایتی هستند مبارزه کنند و جواب بدهند؟ متأسفانه در خانواده‌های افغانستان سیستم به گونه‌ای است که فرزندان پسر همیشه مورد تشویق قرار می‌گیرد و به خاطر این‌که پسر است و مرد بیرون گاهن حتا عمل‌کردهای بد شان نیز نادیده گرفته می‌شود بر عکس فرزندان دختر که همیشه به خاطر جنسیت شان سرزنش می‌شوند. در فرهنگ اجتماعی افغانستان همواره برای زنان گفته می‌شود که چون شما دختر هستید نباید صدای تان را بلند کنید و



جای خوش‌بینی این‌جا است که اکنون زنان تا اندازه‌ای به آگاهی نسبی رسیده و یا حد اقل انگیزه‌ای برای مهار خشونت در وجود شان پیدا شده است که باید علیه خشونت مبارزه کنند. هیچ یک از این موارد نه تنها بسنده نیست، بلکه بسیار اندک است و هنوز آغاز یک فرایند تغییر است که باید میزان دست‌رسی زنان قربانی خشونت به ارگان‌های ذی‌ربط بیش‌تر شود و تلاش شود تا اعتمادسازی صورت بگیرد و ارگان‌های مربوطه بدون کدام چشم‌داشتی مسوولانه به قضایا رسیدگی کنند.

هرچند این سهولت برای زنان فراهم شده است، اما متأسفانه مراکز حمایتی که برای زنان آسیب دیده خدمات ارایه می‌کنند به جای این‌که پناه‌گاه امن و مطمئن برای زنان باشد، ولی در جامعه تصویر دگرگونه‌ای از آن منتشر شده است. یعنی این مراکز مکان‌هایی برای طرد شدن از جامعه و خانواده است. زنان که به هر دلیلی مورد آزار و اذیت قرار می‌گیرند، در هیچ صورت حاضر به ترک خانه و خانواده شان نیستند؛ زیرا نسبت به مراکز حمایتی یک نگاه کاملن منفی در سطح جامعه وجود دارد. بنابر همین نگاه منفی جامعه نسبت به مراکز حمایتی و خانه‌های امن زنان، آنان ترجیح می‌دهند که خشونت را تحمل کنند، اما صدای شان را در برابر خشونت و بی‌عدالتی بلند نکنند و به این مراکز نروند.

راه حل چیست تا این اعتماد که هیچ وجود نداشته به وجود بیاید و یا اگر این اعتماد شکسته، ترمیم شود؛ یعنی چی باید کرد تا زنان به خاطر مراجعه به مراجع حمایتی دولتی و قانونی اعتماد کنند؟

برای جلب اعتماد مردم به خصوص زنان که همیشه قشر آسیب‌پذیر این جامعه کاملن سنتی است در قدم نخست باید این اعتمادسازی از جانب خود دولت با ارایه خدمات شایسته صورت بگیرد. ارگان‌های مربوطه باید مسوولانه کار کنند و از طریق کارگاه‌های آموزشی کوتاه مدت، برنامه‌های رسانه‌ای برای زنان آگاهی‌دهی صورت بگیرد.

خانواده‌ها بیش‌تر سعی می‌کنند که دختران شان را کم حرف، از خود گذر و سر به زیر بار بیآورند. همین‌گونه است که مردان به خودشان حق می‌دهند که هر عملی را انجام بدهند حتا اگر اشتباه باشند و ذهنیت که برای شان خلق می‌شود این است که زنان و دختران که خوب و نجیب باشند از خانه بیرون نمی‌روند و این‌هایی که از خانه بیرون می‌روند و از خشونت‌ها شکایت می‌کنند، زنان بد اخلاق هستند و به خودشان اجازه می‌دهند که خواسته‌های غیر اخلاقی کنند. همین‌طور زنانی که همیشه حس اعتماد به نفس شان یرک کوچ شده و نادیده گرفته شده جرات دفاع از حق شان را نمی‌داشته باشند و فکر می‌کنند که مشکل در خود شان است. برای زدودن این مشکل ما باید راه حل منطقی و بنیادی پیدا کنیم و در دوران بزرگ شدن فرزندان پسر و دختر مان بین آنان فرق قایل نشویم و به پسران مان یاد بدهیم که برخورد و نگاه شان انسانی باشند مخصوصن همراه افراد آسیب‌دیده و هم‌چنان به دختران مان اعتماد به نفس و با حمایت مان توانایی مبارزه با چنین خواسته‌ها را ایجاد کنیم. آنان باید یاد بگیرند که در مقابل بی‌عدالتی‌ها و نارسایی‌ها جسورانه ایستاده‌گی کنند و صدای عدالت‌خواهی شان را بلند کنند.

برای دست‌رسی زنان قربانی به عدالت، جامعه مدنی و نهادهای مدافع حقوق زن برای زنان که مورد خشونت قرار گرفته چی کار کرده می‌توانند؟

جامعه مدنی و نهادهای مدافع حقوق زن می‌توانند

جدگسو
کریمه شبرنگ

وعدت باید کرد
به بالا رفتن از پله‌های گناه‌آلود زمان
درد من همه از دست بلند و بی‌مایه‌ی
روزگار است
چگونه می‌توانم زنده باشم
وقتی آزادی پروانه‌یی را که با عطر گیاه
آمیزش عجیبی دارد
در چارراه بزرگی به دار می‌آویزند
و گلوی مرا که از پشت هفت کوه سیاه
فریاد می‌زند
هنوز دستانی‌اند که محکم‌ش می‌گیرند
و عادت باید کرد
به مسافرت تلخ دستان خودم که تنها
خواب نوازش شانه‌هایت را می‌بیند
حضور تو که دل شب را
در اتاقم به تماشای فرا می‌خواند
چه بوسه و آغوش مقدس و پاک‌ی؟
آیا خوش‌بختی در راه است؟
که دریغ و حسرت شب‌های بی‌تو بودم
راجبران کند
باید همه بدانند
که نطفه‌های من و تو
از بطن عشقی به دنیا آمده است
و بگو ما عشق را دوست داریم
به اندازه‌ی یک هم آغوشی پاک و چشم
بستن جاویدانه
هیچ دستی راه فردا را مسدود نخواهد کرد
و من نمی‌هراسم از آن که بگویند
ترانه‌های تو بی‌هوده است.

برای زنان دادخواهی کنند و زنان که مورد خشونت قرار گرفته را در نهادهای عدلی و قضایی حمایت نمایند. هم‌چنان هدف‌مند و با برنامه برای محو خشونت علیه زنان کار کنند.

برای زنان که مورد خشونت قرار می‌گیرند، اما به خاطر نام و نشان قوم و خانواده‌ی خود صدای اعتراض‌اش را بلند نمی‌کنند، دولت و جامعه مدنی چی کار برای رفع این مشکل انجام دهد؟

زنان نباید خشونت را تحمل کنند بحث مهم این است که جامعه مدنی، نهادهای مدافع حقوق زن و سایر ارگان‌های ذی‌ربط برنامه‌های آگاهی‌دهی و حمایت از زنان را به خصوص زنان آسیب‌دیده را روی دست بگیرند. متأسفانه اکثریت زنان افغانستان به خصوص زنان در ولایت هرات همیشه قربانی رسم و رواج ناپسند و از ترس طرد شدن از خانواده و فامیل خشونت و ستم را تحمل کرده و خاموش مانده‌اند و هیچ اعتراضی هم نکرده‌اند. جامعه مدنی فقط صلاحیت نظارت و دادخواهی را دارد این دولت است که برای رهایی زنان از قید سنت‌های ناپسند برنامه‌های آگاهی‌دهی را هم برای زنان و مردان در سطح قریه‌جات و ولسوالی‌ها دایر نماید.

ممنون از شما و در پایان اگر حرفی از خودتان داشته باشید بفرمایید.

ما سعی می‌کنیم که فعالیت‌های دوام‌دار و هدف‌مند را در راستای تغییر وضعیت زنان در ولایت هرات روی دست بگیریم و بتوانیم میزان خشونت را با برنامه‌های مدون و بنیادین کاهش بدهیم. این کار نیاز به هم‌کاری همه اداره‌های دولتی و نهادهای مدنی دارد. به ویژه زنان باید خودشان برای تأمین حقوق شان ما را هم‌کاری کنند و صدای شان را در مقابل خشونت و جنایت بلند نمایند و ما تعهد می‌سپاریم که از زنان حمایت می‌کنیم.



Nimrokh Weekly

سال دوم • شماره ۶۶ • دوشنبه ۲۶ قوس ۱۳۹۷
Monday • December 17, 2018
Vol. 2 • No. 66



خواننده‌گان عزیز نیمرخ بدون جهت‌گیری خاص سیاسی مقالات و نوشته‌ها را از صاحب‌نظران منتشر می‌کند.
صاحب امتیاز و مدیر مسوول: فاطمه روشنیان
سرمدبیر: ریحانه رها
گزارش‌گر: آمنه امید و حسین احمدی
صفحه‌آرا: اولیا عماد
زیر نظر هیئت تحریر
به جز روی کرد نیمرخ سایر نوشته‌ها مسوولیتش به دوش نویسنده‌گان می‌باشد.
هفته نامه نیمرخ در ویرایش مطالب دست باز دارد.
شماره تماس: ۰۷۹۸۸۹۸۸۹۴
آدرس الکترونیکی:
Nimrokhweekly7@gmail.com

گزارش

حسین احمدی



بازار سیاه کابل

جنسی به اصطلاح- نامشروع که بیشتر گزارش‌ها از خیانت در روابط دختران و پسران جوان حکایت می‌کند، به دور از چشم نهادهای عدلی و قضایی در زیرزمینی‌ها بازار سیاهی را شکل داده است. ترمیم پرده بکارت در افغانستان هم‌چنان که بازار گرمی دارد، سلامت پرده بکارت دختران نیز برای مردم افغانستان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است که تعیین‌کننده کیفیت روابط یک زن پس از ازدواجش است. حتا در خانواده‌هایی که در بدل ازدواج دختران شان پول می‌گیرند، باکره بودن دختر بر شیربهای او نیز تاثیر مستقیم دارد. بنابراین دخترانی که مورد تجاوز جنسی قرار می‌گیرند و

یا پس از ازدواج کوتاه مدتی رابطه‌شان می‌شکند و یا پس از خیانت در روابط عاطفی، پرده بکارت شان را از دست می‌دهند، رو می‌آورند به بازار سیاه ترمیم پرده بکارت. سقط جنین نیز همین‌گونه است.

آنچه باعث شده است که این معاملات با تن زنان در کلینیک‌های زیرزمینی راه یابد، اشکال در قانون و عرف ناپسند جامعه است. در جامعه‌ی انسانی که یک انسان اختیار تن خود را ندارد و مورد تجاوز قرار می‌گیرد، در ترمیم

این زخم نیز بهای سنگینی می‌پردازد. دختران خردسالی که در اثر تجاوز جنسی باردار می‌شوند نیز در قانون افغانستان که بر بنیاد آموزه‌های دین اسلام تدوین شده است، اجازه‌ی سقط جنین داده نشده است. وقتی کلینیک‌های قانونی اجازه‌ی سقط جنین را نمی‌دهد، مجبور است که این چنین قضایا به کلینیک‌های زیرزمینی مراجعه کنند. از همین رو بازارهای سیاهی شکل می‌گیرد که در آن پول هنگفتی از شکم گرسنه‌ی ...
ادامه در صفحه ۲...

را متاثر می‌کند. فضای زیست انسان در این جامعه وحشت‌آلود است و رفتارهای روزمره‌ی مردم نیز با خشونت آمیخته می‌شود. خیانت یک امر بدیهی در رابطه‌ها و تجاوز جز از رفتارهای وحشت‌آلود مردان در هر زمان و مکانی ممکن می‌شود. پیامد این بی‌نظمی در جامعه قربانی شدن زنان و کودکان است، بدون شک بازار سیاهی برای تجارت بر تن زنان تشکیل می‌شود. این مرحله، تصویر خشن و وحشت‌آلودی از جامعه متبازر می‌کند که نمی‌شود از آن به ساده‌گی گذشت بلکه این روند برای نسل‌های بعدی نیز به میراث می‌ماند.



مدتی است که ثبت خشونت‌ها علیه زنان به صورت گسترده رسانه‌ای می‌شود و این بهترین نوع دادخواهی است تا نهادهای مسوول را برای رسیده‌گی به این وضعیت مکلف سازد. تازه‌ترین گزارش‌هایی که رسانه‌های داخلی و بین‌المللی از شهر کابل تهیه کرده‌اند، نشان می‌دهد که بازار سیاهی در کابل شکل گرفته است. این بازار سیاه پیامد مستقیم فرهنگ خشونت و خیانت است. سقط جنین و ترمیم پرده‌ی بکارت پس از تجاوز جنسی و رابطه‌های

بد دادن، ازدواج زیر سن و ازدواج اجباری، مفاهیمی است که در قالب آن‌ها بزرگ‌ترین قضایای نقض حقوق بشری در افغانستان به وقوع پیوسته است و به دلیل عدم حاکمیت قانون به صورت فراگیر، هنوز هم این موارد از زنان و دختران این جامعه قربانی می‌گیرد. پیوند خشونت با فرهنگ اجتماعی افغانستان، یک رابطه‌ی مستحکم و ناگسستنی است که گذار از چنین وضعیتی به ساده‌گی ممکن نیست؛ اما در یک فضای که بتوان جامعه را با آگاهی دادن

از حقوق و کرامت انسانی اصلاح کرد و قوانین عادلانه را نیز تطبیق کرد، خشونت و نقض حقوق انسانی زنان و کودکان کاهش خواهد یافت. در افغانستان، اما به دلیل تداوم جنگ و ناامنی، فقر و فرهنگ شدن خشونت علیه زن، به راحتی نمی‌توان این اهداف را تحقق بخشید؛ زیرا در مناطق ناامن، نقض حقوق انسانی مردم و تحمیل خشونت یک امر حتمی است و دولت نیز توان تطبیق عدالت در این مناطق را ندارد. آنچه در سایه ناامنی رخ می‌دهد تمامی جامعه



دوامنداره گدیون!

مشارکت دوامنداره!

د امریکا د متحده ایالتونو نړیوالې پراختیایي ادارې او برېښنا شرکت په مرسته لمریزې برېښنا ته د غزني، زابل او کندهار ولایتونو د اسپدونکو د لاسرسي لپاره هڅې روانې دي. د ۱۱۵ میلیونه ډالرو په ارزښت دغه پروژه چې د امریکا د متحده ایالتونو نړیوالې پراختیایي ادارې له لوري تمويلیږي، له افغان دولت او هغه پانګونو چې یوه سوکاله او باثباته راتلونکې چمتو کوي، څخه د نړیوالې ټولني د ملاتړ ژمنه په ډاګه کوي.

تلاش‌ها برای دسترسی باشندگان ولایت‌های غزنی، زابل و کندهار به انرژی آفتابی و برق با همکاری اداره توسعه بین‌المللی ایالات متحده آمریکا و د افغانستان برېښنا شرکت، ادامه دارد. این پروژه ۱۱۵ میلیون دلاری که از سوی اداره توسعه بین‌المللی ایالات متحده آمریکا تمویل می‌شود، نشان دهنده تعهد جامعه بین‌المللی در حمایت از دولت افغانستان و سرمایه‌گذاری‌ها برای ایجاد یک آینده برفه و پایدار می‌باشد.

